

پایه‌های اساسی و خصوصیات ویژه بانکداری اسلامی در ایران

متن مقاله آقای دکتر حسین مهدوی نجم آبادی

مدیر امور نظارت بر بانکها

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

بانکداری اسلامی در ایران، برای اولین مرتبه در تاریخ بانکداری در جهان، با تصویب قانون از ابتدای سال ۱۳۶۳ در يك مرحله و بطور کامل در سرتاسر کشور به مرحله اجرا درآمد. به موجب این قانون، بانکداری در ایران نیز، مانند سایر کشورهای جهان، بر مبنای تجهیز پس اندازها، اعطای تسهیلات اعتباری و سیاست پولی پایه گذاری شده است. اساسی ترین ویژگی قانون مزبور اینست که از ابتدای زمان اجرای قانون، کلیه عملیات بانکی جدید اعم از تجهیز سپرده‌ها، اعطای تسهیلات اعتباری و همچنین اعمال سیاست پولی باید بترتیبی انجام پذیرد که با موازین شرع مقدس اسلام مبا نیت نداشته باشد. ضمناً، در این مورد لازم به توضیح است، که بانکها در سیستم بانکداری اسلامی در ایران، علیرغم شکل عملیات آنها، نظیر بانکها در سیستم بانکداری کلاسیک واسطه بین عرضه کنندگان و متقاضیان وجوه می‌باشند. به عبارت دیگر، فقط روش عمل در سیستم بانکداری اسلامی در ایران کاملاً متفاوت از روش عمل در بانکداری کلاسیک است. آنچه در این گزارش بیان خواهد شد به بحث و تحلیل پایه‌های اساسی زیربنائی این روش و همچنین خصوصیات ویژه بانکداری اسلامی در این کشور محدود خواهد شد.

خط اصلی فکری در روشهای پایه گذاری شده در بانکداری اسلامی در ایران عمدتاً از آیه شریفه "أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا" در قرآن کریم نشأت گرفته است. این روشها به ترتیبی که در این گزارش آمده است نحوه اجرای صحیح عملیات بانکداری اسلامی در ایران را بیان می‌دارد و عموماً به اصطلاح

جنبه POSITIVE دارد و روشن شدن آنها می‌تواند مبنا و فروض تئوریهای علمی در بانکداری اسلامی قرار گیرد. تشریح و تحلیل مطالب بترتیبی که در این گزارش صورت خواهد گرفت، برای اولین مرتبه مطرح می‌گردد و هر چند به ظاهر ساده به نظر می‌رسند، مع الوصف، باید اذعان نمود که عدم رعایت دقیق آنها موجب عدم اجرای صحیح بانکداری اسلامی در ایران می‌گردد. بدیهی است، چنانچه روشهای مذکور بطور جامع و کامل در بانکداری در ایران رعایت گردند، بانکداری در این کشور به مفهوم صحیح و در شکلی که با موازین اسلامی مغایر نباشد اجرا می‌گردد. در غیر این صورت باید اهتمام لازم بکار برود تا روشهای اجرائی اصلاح گردد.

با توجه به مطالب ذکر شده، رئوس مطالبی که در این گزارش مطرح می‌گردد به شرح زیر است:

قسمت اول - پایه‌های اساسی در بانکداری اسلامی در ایران

- ۱- حذف ربا (بهره) از عملیات بانکی
- ۲- برقراری سود در عملیات بانکی
- ۳- تجهیز سپرده‌ها در شکل جدید
- ۴- اعطای تسهیلات اعتباری در شکل جدید
- ۵- اعمال سیاست پولی بنحوی که با موازین شرعی مابینت نداشته باشد.

قسمت دوم - خصوصیات ویژه بانکداری اسلامی در ایران

- انجام عملیات بانکی بر مبنای پایه‌های فوق موجب می‌گردد که بانکداری اسلامی در ایران از ویژگیهای زیر برخوردار گردد:
- ۱- جهت مصرف مشخص بوده و حصول به اهداف سیاست پولی تسهیل گردد.
 - ۲- نظارت آسان باشد.
 - ۳- پرتفوی اعتباری بانکها مشا به پرتفوی سرمایه گذاری بازار باشد.
 - ۴- احتمال زیان سرمایه در بانکداری اسلامی کمتر از احتمال زیان در بانکداری

کلاسیک بشود.

۵- درآمد بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در ایران در سطح وسیعی از جامعه توزیع گردد.

قسمت سوم - پیشنهاد بانکداری اسلامی نمونه

در پایان، نتیجه‌گیری خواهد شد که، با اتکاء به روش جدید تجهیز سپرده‌ها و یک یا دو نوع تسهیلات اعتباری می‌توان بانکداری اسلامی نمونه را پایه‌گذاری نمود و بسیاری از مشکلات عملی فعلی را که عمدتاً "از تعدد ابزار تسهیلات اعتباری ناشی می‌شود برطرف کرد.

قسمت اول - پایه‌های اساسی در بانکداری اسلامی در ایران

۱- حذف ربا (بهره) از عملیات بانکی

" ربا " چیست و چگونه می‌توان در عملیات بانکی از آن احتراز کرد؟ از دیدگاه تئوری اقتصادی، بهره خصوصیات و تعریف خود را دارا می‌باشد. نظر به اینکه هدف این گزارش بحث در مورد بهره از دیدگاه خاص است، لذا، در این مورد از دیدگاه تئوری اقتصادی مطرح نخواهد شد. لکن، آنچه در گزارش مطرح می‌شود، بحث ساده در مورد تعریف بهره یا " ربا " از دیدگاه اسلامی است. از این دیدگاه " ربا " عبارتست از:

" گرفتن مبلغ اضافه روی دین واقعی مشروط براینکه از قبل شرط شده باشد. " با استفاده از همین تعریف ساده، عملیات بانکداری اسلامی در ایران طوری پایه‌گذاری شده است که تحت چنین شرایطی هیچ نوع رقم اضافه‌ای از گیرنده تسهیلات اعتباری اخذ نگردد. برای بررسی بیشتر، باید نتایج حاصل از این تعریف تشریح گردد. نتایج زیر از تعریف مذکور قابل استخراج است:

(۱) وجود دین واقعی

(۱) وجود دین واقعی

دین واقعی در اثر استقراض با انتقال مالکیت " پول " از دائن به مدیون یا طرق دیگری که مدیون در مقابل دائن بدهکار می شود تحقق می یابد . در این صورت هم مدیون و هم دائن شرعا " مجاز به دریافت رقم اضافه روی دین نیستند . لکن، چنانچه بدلائل مختلف منجمله دلائل مذکور در بند (۲) دین واقعی تحقق نیابد، در این صورت پرداخت رقم اضافه از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران مسمول ممنوعیت پرداخت یا دریافت " ربا " نمی گردد .

(۲) دائن و مدیون مستقل از یکدیگر

وجود دائن مستقل از مدیون و یا وجود مدیون مستقل از دائن از جمله عناصر بسیار اساسی در استقراض است که فقدان استقلال یکی موجب از بین رفتن ماهیت استقراض و در نتیجه عدم تحقق " ربا " می گردد .

وابستگی مدیون به دائن و یا برعکس موجب پیدایش این ویژگی می گردد . طبعا " هنگامی که این وابستگی کامل می گردد، از دیدگاه شرعی موجب نفی اصل استقراض می شود . بعنوان مثال، اعطای وام توسط يك شعبه موسسه بازرگانی متعلق به يك شخص، به شعبه دیگر آن ظاهرا " موجد قرار داد وام بین دو شعبه مزبور است، ولی ذاتا " چنین قراردادی از دیدگاه شرعی قرارداد تلقی نگردیده و تعهد آور نیست . زیرا، عناصر دائن و مدیون، در حقیقت در يك شخص جمع می شود . در نتیجه، شخص نمی تواند از خود طلبکار یا به خود بدهکار شود . به همین ترتیب اعطای تسهیلات اعتباری بین دو شرکت متعلق به يك گروه مشخص از سهامداران هر چند از دیدگاه اداری به ظاهر موجد قرارداد استقراض است . لکن، از دیدگاه شرعی ایجاد رابطه مستقل بین دائن و مدیون بوجود نمی آید . مثال بارزتر آن استقراض يك شعبه به يك بانک یا يك شرکت از شعبه دیگر آن است که فقط از لحاظ اداری صورت استقراض به خود می گیرد، ولی از دیدگاه حقوقی رابطه تعهد و طلب ایجاد نمی کند . در تمام این موارد فقط نقل و انتقال وجوه در درون دو موسسه متعلق به يك شخصیت صورت

می‌گیرد و اقدام دیگری انجام نمی‌شود. استفاده از نتیجه ویژگی فوق، در بانکداری اسلامی در ایران کاربرد زیاد دارد.

(۳) گنجانیدن شرط در قرارداد، شرط برای دریافت رقم اضافه

گنجانیدن شرط در قرارداد برای دریافت بهره یا رقم اضافه نیز بنوبه خود از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده "ربا" است. بنابر این، چنانچه شرطی برای دریافت رقم اضافه در قرارداد گنجانیده نشده باشد، پرداختی نیز قاعدتا "صورت نخواهد گرفت و عمل نیز، طبقا" ربوی نخواهد بود. مع الوصف، چنانچه مدیون شخصا و با رضایت خود و خارج از مفاد قرارداد رقمی را به صورت اضافه بر مبلغ اصل وام به دائن بپردازد، ضمن اینکه این عمل از دیدگاه شرعی نیز تشویق شده است، مبلغ اضافه روی اصل دین "ربا" تلقی نمی‌گردد.

این موضوع هر چند به جای خود صحیح است ولی کاربرد آن بسیار مشکل بوده و در سیستم بانکداری اسلامی در ایران از این روش استفاده نمی‌شود.

(۴) دریافت مبلغ اضافه

"دریافت" مبلغ اضافه روی استقراض، آخرین عنصر تحقق "ربا" است. به عبارت دیگر، چنانچه علاوه بر اصل استقراض، هر چند در قرارداد مربوط دریافت مبلغ اضافه شرط شده باشد؛ لکن، رقمی از این بابت دریافت نگردد، عملا "اضافه پرداختی صورت نمی‌گیرد و" "ربا" نیز تحقق نمی‌پذیرد. این مطلب مانع این است که عملا "شرطی نشده و دریافتی نیز صورت نگیرد. هر چند نحوه عمل بدین ترتیب صحیح است، لکن، این روش عمل، اصولا "کاربردی در سیستم بانکداری اسلامی در ایران ندارد.

نتایج منطقی حاصل از بحث فوق

اول- "ربا" بنحوی که تشریح و تحلیل گردید، از کلیه عملیات بانکی در سیستم بانکداری اسلامی در ایران، حذف شده است.

دوم - دومین نتیجه منطقی بحث در مورد موضوع فوق این است که وابستگی کامل دائن و مدیون در بانکداری اسلامی در ایران، برای دولت و دستگاههای مد در صد دولتی کاربرد مطلوب داشته است. زیرا، چون از دیدگاه شرعی دولت در کل کشور " شخصیت واحد " تلقی می‌گردد، لذا، دستگاههای دولتی و شرکتهای مد در صد دولتی تماما " جزء این شخصیت واحد محسوب شده و هرگونه قرارداد استقراض بین این دستگاهها فقط از لحاظ اداری منوط اعتبار است و موجب استقراض واقعی نیست. بعلاوه، چون، از لحاظ شرعی هم دائن و هم مدیون قرارداد دولت بوده و در نتیجه هم پرداخت مبلغ اضافه و هم دریافت آن در این شکل از قرارداد، به صورت نقل و انتقال وجوه در درون دستگاه به حساب آن شخصیت واحد صورت می‌گیرد و " ربا " تلقی نمی‌گردد.

به عبارت دیگر، چون تمام بانکها و به خصوص بانک مرکزی دولتی هستند، لذا، چنانچه از محل منابع بانک نظیر سرمایه و یا از محل منابع قرض الحسنه جاری و پس انداز که مالکیت آن متعلق به خود بانک است، نیازهای اعتباری دولت و دستگاههای دولتی تامین گردد، به همان دلایل ذکر شده، عمل ربوی تلقی نشده و پرداخت یا دریافت رقم اضافه روی مبلغ " به ظاهر " استقراض فقط موجب ارتباط اداری و نقل و انتقال وجوه بین بانکها و دولت شده و از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران مجاز خواهد بود.

این ویژگی موجب شده است قسمت عمده ای از مشکلات اعتباری بخش دولتی، به سهولت با روش اعتباری متداول در بانکداری کلاسیک در این کشور حل شود.

سوم - نتیجه حائز اهمیت دیگری که از این بحث گرفته می‌شود، این است که حذف دو عنصر (۴) و (۵) فوق از استقراض متداول در بانکداری کلاسیک، استقراض را بدون اینکه در ماهیت واقعی بودن دین ناشی از آن که رابطه صحیح دائن و مدیون مستقل از یکدیگر است خللی وارد آورد، آن را به صورت " قرض الحسنه " در می‌آورد. قرض الحسنه به صورت یکی از انواع تسهیلات اعتباری در بانکداری

اسلامی به همین دلیل اصلی پذیرفته شده و از آن برای مصارف معین که سایر انواع تسهیلات اعتباری متداول در بانکداری اسلامی کاربرد ندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چهارم - چون استقراض در شکل تعریف شده و به طریق متداول در بانکداری کلاسیک ربوی است، مبلغ اضافه روی آن "ربا" تلقی می‌گردد، لذا، تسهیلات اعتباری بانکی در ایران (به استثنای قرض الحسنه) در شکل دیگری مطرح شده است تا عملیات مزبور از شکل ربوی خارج گردیده و بانک بتواند از عملیات خود سود تحصیل نماید.

پنجم - در صورت پذیرش کلی موضوع تورم، بعنوان کاهش ارزش پول، اخذ مبلغ اضافه روی استقراض تا میزان نرخ تورم مجاز تورم مجاز خواهد شد. در این صورت، تحول بزرگ دیگری در بانکداری اسلامی در ایران به وقوع خواهد پیوست.

۲- اخذ سود در عملیات بانکی

سود چیست و چگونه می‌توان در عملیات بانکی از آن منتفع شد؟ از دیدگاه اسلامی درآمد ناشی از بکارگیری سرمایه ملکی شخص در امورات اقتصادی سود محسوب می‌گردد. هر چند دریافت "ربا" از دیدگاه اسلامی مجاز نیست، برعکس تحصیل سود از این دیدگاه کاملاً مجاز می‌باشد. به طور کلی، دریافت درآمد (سود) هر نوع منابعی که در شکل "سرمایه" در تجارت و تولید به کار گرفته شود، برای صاحب سرمایه، مجاز و برعکس دریافت درآمد هر نوع منابعی که به صورت وام در اختیار اشخاص قرارگیرد، برای وام‌دهنده، مجاز نخواهد بود.

با استفاده از این ویژگی، بانکداری اسلامی در ایران پایه گذاری شده است. بر مبنای این پایه، در سیستم بانکداری اسلامی در ایران، بانکها با به کارگیری منابع خود، به صورت سرمایه ملکی خود آنها و یا به صورت سرمایه ملکی سپرده گذار ضمن خرید و فروش اموال و داراییهای مورد درخواست مشتری به اعطای تسهیلات اعتباری و تحصیل سود مبادرت می‌نماید.

در واقع اعطای تسهیلات اعتباری، به صورت مشارکت (به مفهوم کلی) بانك در عملیات بانکی تحقق می‌پذیرد.

۳- تجهیز سپرده ها (منابع)

در سیستم بانکداری کلاسیک، سپرده‌ها نزد بانك تودیع شده و به آن بهره تعلق می‌گیرد. با توجه به مطالبی که قبلاً تشریح گردید، از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران، چون این بهره روی دین واقعی پرداخت می‌شود، " ربا " تلقی می‌گردد.

در سیستم جدید بانکداری در ایران، منابع سیستم بانکی به دو صورت کلی تامین می‌گردد. در شکل نخست، منابع متشکل از سرمایه و هر يك از انواع سپرده‌ها دیداری و پس انداز و سایر مانده‌های بستانکاری است که در ترازنامه بانك نشان داده می‌شود. این قبیل وجوه، منابع متعلق به بانك تلقی می‌گردد. در این نحوه عمل چون رابطه سپرده گذار و بانك به صورت دائن و مدیون در می‌آید، اصولاً " رقمی اضافه تراز اصل سپرده و یا مانده بستانکار به شخص طلبکار قابل پرداخت نبوده و فقط جوائز تجهیز سپرده‌ها در حد مشخص از طریق قرعه کشی می‌تواند به سپرده گذار پرداخت شود.

در شکل دوم، منابع به صورت سپرده‌های سرمایه گذاران از مشتری قبول و بانك توسط مشتری وکیل در مصرف آنها می‌گردد. از لحاظ حقوقی، ارتباطی که بین بانك و سپرده گذار ایجاد می‌شود، رابطه وکیل و موکل و عمل بانك (وکیل) در مصرف سپرده‌ها به منزله عمل سپرده‌گذار (موکل) می‌باشد. در نتیجه، در این شکل از قبول سپرده، بین بانك و سپرده گذار رابطه دائن و مدیون برقرار نشده و پرداخت مبلغ اضافه روی اصل توسط بانك به مشتری ربا محسوب نمی‌گردد. زیرا، بانك این قبیل سپرده‌ها را نیز در معاملات موضوع تسهیلات اعتباری خود بجای موکل خود و در شکل سرمایه ملکی موکل خود بکار برد و سود حاصل از این عملیات را، پس از کسر کارمزد خود، بین سپرده گذاران تسهیم می‌نماید.

اشکال عمده‌ای که براین روش وارد است، آن است که اعطای سودبديين ترتیب، کاربرد لازم را بعنوان ابزار سياست پولی ندارد. زیرا، اعلام سود سپرده‌ها از قبل و در نتیجه استفاده از سود بعنوان ابزار برای تجهیز بیشتر سپرده‌ها امکان پذیر نیست. مع الوصف، اعلام پیش بینی نرخ سود مورد انتظار نسبت به کل تسهیلات اعتباری هر يك از بانكها و یا سیستم بانکی می‌تواند، تا حدودی در مورد تجهیز سپرده‌ها موثر باشد.

۴ - اعطای تسهیلات اعتباری بانکی

بانكداری اسلامی در ایران، کم و بیش مانند تمام کشورهای دیگر، به تامین نیازهای اعتباری بخشهای اقتصادی مبادرت می‌کند. در بانكداری کلاسیک روش کار مشخص است و عموماً "اعطای تسهیلات اعتباری به صورت وام و مالا" با دریافت "ربا" صورت می‌گیرد. در حالیکه در بانكداری اسلامی در ایران، بدلیل ممنوع بودن دریافت "ربا" تسهیلات اعتباری شکل دیگری به خود گرفته است تا بتوان از آن طریق به تحمیل سود مبادرت نمود.

در این شیوه عمل، در کلیه عملیات بانکی مربوط به اعطای تسهیلات اعتباری در مقطع معینی از زمان، در طول دوره تسهیلات اعتباری (FINANCING PERIOD) که از زمان دریافت و بررسی درخواست مشتری تا مرحله واریز طول می‌کشد، بانك ناگزیر به صورت مالك اموال و دارائیهای موضوع تسهیلات اعتباری در می‌آید. مالکیت بانك بر اموال و دارائیهای، می‌تواند در ابتدا، در وسط و یا در انتهای دوره تسهیلات اعتباری تحقق پذیرد.

در بانكداری اسلامی در ایران کل دوره تسهیلات اعتباری به سه دوره فرعی متمایز از یکدیگر قابل تقسیم است. دوره‌های مزبور که ذیلاً تشریح می‌گردند عبارتند از زمان بررسی، زمان اجرای طرح یا انجام موضوع و بالاخره دوره پس از انتقال مالکیت.

دوره اول، زمان بررسی است و به مدتی که درخواست (اعم از اینکه موضوع

درخواست اجرای طرح یا مورد خاص تسهیلات اعتباری باشد) برای رسیدگی نزد بانک خواهد بود، محدود می‌شود. در این مرحله، صرفاً " بانک درخواست اعتباری را از لحاظ انطباق با مقررات و توجیه پذیر بودن آن بررسی می‌کند و هیچ عمل دیگری انجام نمی‌دهد.

دوره دوم، زمان اجرای طرح یا انجام موضوع مورد درخواست است. در ابتدای این دوره، قرارداد اعطای تسهیلات اعتباری بین بانک و مشتری منعقد می‌شود، پس از امضاء قرارداد، بانک طبق مفاد آن به اجرای طرح یا خرید (تهیه و تدارک اموال و دارائیهای موضوع مورد درخواست تسهیلات اعتباری) مبادرت می‌نماید. در طول این دوره، بانک عموماً " به صورت مالك اموال و دارائیهای موضوع تسهیلات اعتباری، عمل می‌کند. در درون این دوره و در هر مقطعی از زمان تا قبل از انتقال مالکیت، اضافه کردن سود روی اصل منابع بانک به صورت (MARK UP) یا (COST PLUS) و نظایر آن مجاز است. بدیهی است، اضافه کردن هر رقم به عنوان سود باید با ضوابط سیاست پولی مطابقت داشته باشد. همین پایه مبنای روش عمل در کلیه عملیات اعتباری بانکی (به استثنای قرض الحسنه) در بانکداری اسلامی در ایران قرار گرفته است.

نکته حائز اهمیت و قابل ذکر در مورد انجام معاملات خرید و فروش توسط بانک این است که هر چند بانک، در اعطای تسهیلات اعتباری در بانکداری اسلامی در ایران، ناگزیر در مقام خریدار و فروشنده به معاملات تجاری مبادرت می‌کند، لکن، بانک، شخصاً " نمی‌تواند بدون مقدمه به خرید و فروش اموال و دارائیها اقدام نماید. ظاهراً "، مطلب اول، با موضوع دوم تعارض دارد. لکن واقعاً " چنین تعارضی در عمل بوجود نمی‌آید. زیرا، به موجب قوانین و مقررات حاکم بر بانکداری اسلامی در ایران، بانک در صورتی مجاز به اعطای تسهیلات اعتباری در شکل گفته شده می‌باشد که درخواست و تعهد خرید دارائیها و اموال موضوع تسهیلات اعتباری از طرف مشتری به بانک ارائه شده باشد. بدین ترتیب، بانک با

اطمینان از وجود درخواست و تعهد خرید، در مقام واسطه و جوه بصورت بانکدار عمل نموده
ضمن تامین درخواست مشتری خود نیز به طریق مجاز به کسب سود مبادرت می کند.
دوره سوم، از زمان انتقال مالکیت اموال و دارائیهاموضوع تسهیلات اعتباری به مشتری
تا زمان وصول کامل منابع تسهیلات اعتباری طول می کشد. طول دوره مزبور بر حسب مورد کوتاه
یا طولانی خواهد بود. در مضارب و اجاره بشرط تمليك طول دوره مزبور نزد يك به صفر است. در
سایر موارد بخصوص معاملات اقساطی طولانی خواهد بود. در طول این دوره بانك همواره
طلبکار است و این طلب هر میزان که باشد از فروش ناشی می گردد. در طول این دوره، چنانچه
بنابه دلایلی، نظیر تمدید مدت تسهیلات اعتباری، بانك مطلقاً "مجاز نخواهد بود که رقمی
روی طلب خود اضافه نماید، زیرا، این عمل همانطوری که قبلاً "ذکر شد، اضافه کردن رقم روی
دین بوده و رقم مزبور "ربا" محسوب می گردد.

همین مطلب مشکل بزرگی را در رابطه با تمدید تسهیلات اعتباری در سیستم بانکی در
ایران بوجود آورده است. زیرا باید مدت تسهیلات اعتباری بدون دریافت مبلغ اضافه تمدید
گردد، یا اصولاً "این قبیل تسهیلات تمدید نشود. طبعاً" موضوع تمدید تسهیلات اعتباری در
بسیاری از موارد اجتناب ناپذیر است و عدم امکان اضافه نمودن مبلغ اضافه روی اصل موجب
می گردد که منابع سیستم بانکی بدون دریافت سود در اختیار مشتری باقی می ماند. این مطلب
نیز بنوبه موجب می گردد که گیرنده تسهیلات اعتباری در بسیاری از موارد تشویق شود تا
منابع اعتباری را بموقع پرداخت نکند و موجدار سائیهای متعددی برای سیستم بانکی بشود.

۵- سیاست پولی

قوانین و مقررات جدید، کلیه اختیارات و وظائف سیاست پولی را تا حدی که ایمن
اختیارات و وظائف با موازین اسلامی تعارض پیدا نکند، محفوظ نگه داشته است. در ایران،
سیاست پولی، بصورت مستقل از سیاست مالی اعمال می شود و اهداف سیاست مزبور در ایمن
سیستم نظیر اهداف سیاست پولی در بانکداری کلاسیک، به همان وسعت و جامعیت، به قوت
خود باقی مانده است.

برای حصول به اهداف سیاست پولی، کلیه ابزارهای این سیاست، باستثنای ابزار نرخ بهره، کمکان در اختیار مقام سیاست پولی قرار دارد. این ابزارها نظیر تعیین نرخ سپرده قانونی و همچنین تعیین نرخ تنزیل و تنزیل مجدد، تعیین حدود کلی، حدود فردی و نحوه توزیع تسهیلات اعتباری در بخشهای اقتصادی و امثال آن در سیستم بانکداری اسلامی در ایران مانند سیستم بانکداری کلاسیک کاربرد دارد.

لکن، باتصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا ابزار "نرخ بهره" از اختیار سیستم بانکی اسلامی و همچنین سیاست پولی خارج گردید. هرچند، ابزارهای دیگری که کاملاً "در نوع خود، در طول تاریخ بانکداری در جهان جدید است"، در قانون بانکداری بدون ربا در ایران اضافه و در اختیار سیاست پولی قرار گرفته است ولی سنجش نقش و تاثیر آنها در اعمال سیاست پولی در مقایسه با نقش نرخ بهره مستلزم گذشت زمان است. در هر صورت ابزارهای جدیدی تواندا حدودی نقشی را که نرخ بهره در اعمال سیاست پولی در بانکداری کلاسیک دارد، ایفاء نماید، ذیلاً "دو نمونه از ابزارهای مذکور بعنوان مثال درج می گردد:

(الف) حداقل نرخ سود مورد انتظار

سود مورد انتظار، درآمد آتی ناشی از عملیات بانکها است. حداقل نرخ سود مورد انتظار "که در واقع هزینه فرصت (OPPORTUNITY COST) یا (HARDLE RATE) می باشد از جمله ابزارهای سیاست پولی است که حد آن از طرف مقام سیاست پولی تعیین می شود. این نرخ می تواند نقشی حساس تر و مهمتر از نرخ بهره ایفاء نماید. زیرا بانکها در صورتی مجاز به اعطای آن دسته از تسهیلات اعتباری که سود آن در آینده کسب می شود، خواهند بود که "نرخ سود مورد انتظار" در مورد آنها از "حداقل" تعیین شده کمتر نباشد. بعبارت دیگر، "حداقل نرخ سود مورد انتظار" معیار (OPPORTUNITY COST) برای پذیرش یا رد خواستهای تسهیلات اعتباری رسیده برای بانکها است. این ویژگی موجب می گردد که آن دسته از درخواستهای (فرصتها) از تسهیلات سیستم بانکی استفاده نمایند که بدون در نظر گرفتن سایر عوامل، باز ده بیشتری داشته باشد. طبعاً "افزایش یا کاهش نرخ حداقل

" سودمور دانتظار " موجب کاهش یا افزایش تقاضا برای تسهیلات اعتباری از سیستم بانکی می گردد. این ابزار از دیدگاه سیاست پولی می تواند همان کار بر دی را داشته باشد که ابزار نرخ بهره در بانکداری کلاسیک دارد.

(ب) حداکثر نرخ سود معاملات قطعی بانکیها

از دیگر ابزاری که در اعمال سیاست پولی می تواند نقش بهره را داشته باشد، نرخ سود معاملات قطعی بانکیها است. بانکیها در مورد این نرخ سود، بصورت (MARK UP یا COST PLUS) عمل می کنند. حداکثر نرخ سودی که می تواند روی قیمت تمام شده اموال و کالاها و یا خدمات موضوع تسهیلات اعتباری بانکیها اضافه شود توسط مقام سیاست پولی تعیین می گردد. این ابزار، بطور کامل از دیدگاه سیاست پولی، می تواند همان کار بر دی را داشته باشد که ابزار نرخ بهره در بانکداری کلاسیک دارد.

(ج) سایر ابزارها

ابزارهای دیگری نیز در سیستم بانکداری اسلامی در ایران پایه گذاری شده است. توضیح کامل در مورد تمام ابزارها در گزارش قبلی اینجانب داده شده است. قسمت دوم- خصوصیات ویژه بانکداری اسلامی در ایران

نتایج حاصل از تشریح و تحلیل مباحث فوق، بخصوص بندهای (۴) و (۵) مویدا این است که سیستم بانکداری اسلامی در ایران از خصوصیات ویژه زیر برخوردار می باشد:

۱- پرتفوی تسهیلات اعتباری بانکیها مشابه پرتفوی سرمایه گذاری بازار است.

یکی از ویژگیهای مهم بانکیها در سیستم بانکداری اسلامی در ایران محتوای پرتفوی تسهیلات اعتباری آنها است. نظریه اینکه پرتفوی تسهیلات اعتباری بانکیها مرکب از تعداد قابل ملاحظه ای از امکانات سرمایه گذاریها در رشته های مختلف اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعتی، معدنی، خدمات و بازرگانی موجود در کشور است می باشد، لذا، این پرتفوی از لحاظ

تنوع بسیار مطلوب و از دیدگاه سودآوری و ریسک بسیار مشابه پرتفوی سرمایه‌گذاری بازار در کشور است. «طبعاً»، در چنین وضعیتی ریسک این پرتفوی به حداقل ممکن و بازده آن به حداکثر ممکن خواهد رسید. بعلاوه، در صورت اجرای صحیح بانکداری اسلامی در ایران، این وضعیت موجب می‌گردد که بازده یا سود پرتفوی تسهیلات اعتباری بانکها همه ساله در حد بسیار معقولی نوسان داشته و بازده نسبتاً «ثابتی» عاید بانکها گردد. مجموعه عوامل مزبور موجب می‌گردد که در این سیستم بانکداری، سپرده‌گذار نیز به تبع از بازده سرمایه‌گذاریهای بانکها، از همین سود مطمئن و کم ریسک برخوردار شود.

از دیگر ویژگیهای این پرتفوی این است که روش اعطای تسهیلات اعتباری در بانکداری اسلامی مشابه روش انتخاب پروژه بر اساس تئوری پرتفوی سرمایه‌گذاری است. «انتخاب پروژه» بر این مبنا، موجب می‌گردد که پروژه‌های با بازده یا کارآئی بیشتر، در استفاده از تسهیلات اعتباری بانکی حق تقدم داشته باشند. این روش عمل، در نهایت، می‌تواند موجبات افزایش کارآئی واحدهای اقتصادی گیرنده تسهیلات اعتباری و مالا «موجبات افزایش کارآئی سیستم اقتصادی کشور را فراهم آورد».

۲- احتمال زیان سرمایه‌داری اسلامی در ایران کمتر از احتمال همین زیان در بانکداری

کلاسیک است

نظر به اینکه در آندناشی از تسهیلات اعتباری به ترتیبی که در بند (۱) فوق بیان گردید، باریسک کم عاید بانکها می‌گردد، لذا، احتمال زیان روی اصل سپرده‌ها و سرمایه‌بانک بسیار اندک بنظر می‌رسد. بعلاوه، باید به این نکته نیز توجه شود که بانک هر میزان در آمد داشته باشد، کم یا زیاد، بین سپرده‌گذاران توزیع می‌شود و چنانچه درآمدی وجود نداشته باشد، قاعدتاً «سودی نیز توزیع نخواهد شد». در نتیجه در بانکداری اسلامی در ایران، احتمال زیان سرمایه کمتر از احتمال همین زیان در بانکداری کلاسیک خواهد بود.

۳- توزیع درآمد فعالیت‌های اقتصادی

نکته حائز اهمیت دیگر این است که سود پرتفوی تسهیلات اعتباری در بانکها در ایران، در شکل تئوریک آن، سود واقعی آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که تسهیلات اعطائی

برای آنها اعطاء شده است. نظر به اینکه این قبیل فعالیتها حجم بسیار وسیعی از کل حجم فعالیتهای اقتصادی کشور را تشکیل می دهد، لذا، سود آن نیز باید بالتبع حجم بسیار زیادی از مجموع سود مکتسبه از فعالیتهای اقتصادی یا درآمد ملی کشور باشد. بدیهی است، این شکل از روش بانکداری در صورتی که صحیح اجرا شود، می تواند بخش عمده ای از کل درآمد فعالیتهای اقتصادی کشور را در بین افراد جامعه بنحو مطلوب توزیع نماید. زیرا، این حجم از درآمد در وهله اول بین بانک و گیرنده تسهیلات اعتباری تقسیم می گردد و در مرحله بعد، درآمدی که عاید بانک گردیده بین بانک و سپرده گذار تسهیم خواهد شد. در نتیجه، سپرده گذاران که تعداد بسیار زیادی از افراد جامعه را شامل می گردند، می توانند به بهترین وجهی از این بخش از درآمد حاصل از فعالیتهای اقتصادی کشور منتفع گردند.

۴- مشخص بودن جهت مصرف

از عمده ترین ویژگیهای بانکداری اسلامی در ایران مشخص بودن جهت مصرف در تسهیلات اعتباری است. در بانکداری کلاسیک و همچنین در بانکداری گذشته در ایران، منابع وام یا اعتبار مستقیماً "در اختیار مشتری قرار می گرفت تا آن طور که نامبرده تشخیص می دهد، نیاز خود را تامین نماید. حال آن که اکنون، بر اساس مقررات و ضوابط بانکداری اسلامی، نیاز مشتری بدو "بررسی و سپس آنچه که مورد نیاز مشتری باشد، توسط بانک تهیه یا خریداری شده و سپس در اختیار مشتری قرار می گیرد. بعبارت دیگر، سیستم طوری طراحی شده است که کنترل جهت مصرف در درون روش متخذ وجود داشته باشد.

این ویژگی می تواند به نحو موثری به اعمال دقیق سیاست پولی و تحقق اهداف آن، در بانکداری اسلامی در ایران، کمک کند. زیرا، تنها با این ترتیب می توان اطمینان حاصل نمود که مبلغ مورد نیاز برای بخشهای اقتصادی، با کمک بانکها، ضمن تهیه و تدارک اموال و دارائیهای مورد نیاز بخش بهمان میزان در همان بخش مصرف شده از انحراف در بخشهای دیگر نظیر سفته بازی روی طلا، ارز، فرش، مسکن و نظایر آن ممانعت بعمل آمده است. بعنوان مثال، نیازهای بخش کشاورزی کاملاً "متفاوت از نیازهای سایر بخشها است. با توجه به تأمین

مستقیم این نیازها توسط بانکها، می‌توان امیدوار بود که منابع مورد نیاز از این بخش، برای همان بخش تامین گردد. به همین ترتیب، نیازهای اعتباری بخش صنعت و سایر بخشها دقیقاً "به همان میزان مورد نظر در چارچوب مقررات بانکداری اسلامی قابل تامین می‌باشد."

۵- تسهیل امر نظارت

امر نظارت و کنترل جز، لاینفک عملیات بانکداری اسلامی در ایران می‌باشد. این نظارت و کنترل باید بر مصرف صحیح و واریز تسهیلات اعتباری اعمال شود. به ترتیبی که تشریح گردید، روشهای متخذه در اعطای تسهیلات اعتباری، در بانکداری جدید در ایران، بنحوی طراحی شده است که امر کنترل و نظارت اجتناب ناپذیر گشته و اعمال آن تسهیل گردد. در مرحله بررسی، درخواست تسهیلات اعتباری، حصول اطمینان از درخواست موجه، کمک موثری به اجرای امر نظارت می‌کند. در مرحله مصرف تسهیلات اعتباری نیز چون بانک در مقام خریدار یا تهیه کننده اموال و دارائی موضوع درخواست مشتری وارد معاملات می‌شود، طبعاً "مسئله کنترل و نظارت ضمن این عملیات اعمال می‌گردد." تنها در مرحله واریز موضوع نظارت مشکلتر از مراحل بعدی است. در همین مرحله ممکن است، منابع تسهیلات اعتباری بجای واریز به حساب بانک در مجاری دیگری نظیر آنچه که قبلاً "بیان شد، جریان یابد. به همین جهت دقت بیشتر بانکها، باید به این مرحله معطوف گردد.

بطوریکه ملاحظه می‌شود، سیستم بانکداری اسلامی در ایران، طوری پایه گذاری شده است تا تسهیلات اعتباری از زمان بررسی تا پایان مرحله واریز بنحوی بصورت خودکنترل (SELF BUILT IN CONTROL) عامل موثری در اجرای صحیح قانون باشد.

قسمت سوم- بانکداری اسلامی نمونه

مرحله آزمایشی بانکداری اسلامی در ایران سپری شده است. نتایج عملکرد در مدت شش سال و اندکی که از عمر بانکداری اسلامی در این کشور می‌گذرد نشان داده است که این سیستم بانکداری ضمن داشتن نتایج مطلوب، مشکلات و نارسائی‌هایی نیز در سر راه خود دارد.

مشکلات و نارسائیهای مزبور که کلاً "از جدید بودن سیستم نشات می گیرد عمدتاً" از تعدد انواع تسهیلات اعتباری، مسائل پیچیده حقوقی، کمبود متخصص، کمبود آموزش، مشکل نظارت و بخصوص مشکل بزرگ عدم امکان تمديد برخی از انواع تسهیلات اعتباری ناشی می شود.

با توجه به تجربیات چند ساله اخیر، این امکان وجود دارد که بانکداری اسلامی منحصر "بر پایه روش فعلی تجهیز سپرده ها (به ترتیبی که هم اکنون در ایران متداول است) و با استفاده از مشارکت مدنی اجرا گردد. طبق این پیشنهاد، با سهولت می توان استدلال نمود که تمام تسهیلات اعتباری مورد نیاز امور مختلف اقتصادی، بر اساس موازین اسلامی منحصر "با استفاده از مشارکت مدنی قابل تامین است. حتی در شکل خاصی از این روش که بر مبنای آن، فروش سهم الشرکه بانك می تواند بتدریج صورت گیرد، عنداللزوم، تسهیلات اعتباری اعطاء شده می تواند به سهولت تمديد گردد.

با اتخاذ این شیوه، بانکداری اسلامی در ایران، مسیر جدیدی را شروع خواهد نمود و انجام این پیشنهاد نه تنها اجرای بسیاری از عملیات بانکی را تسهیل خواهد نمود، بلکه نارسائیهای مربوط به تعدد انواع تسهیلات اعتباری، مشکلات پیچیده حقوقی و بخصوص مشکل بزرگ تمديد را حل خواهد کرد. مشکل کمبود متخصص، نارسائیهای نظارت و آموزش نیز طبعاً "در این سیستم بسیار کمتر از سیستمهای موجود خواهد بود. این پیشنهاد کاملاً "عملی بنظر می رسد. طبعاً "اجرای آن مستلزم صرف وقت برای تدوین ضوابط و مقررات مربوط و اخذ مصوبات لازم در این مورد خواهد بود.